

مروری بر برگزاری «عید فطر» در فرهنگ مردم ایران

سید علیرضا هاشمی^۱

چکیده

عید فطر جشنی است که مسلمانان پس از پایان ماه رمضان در روز اول شوال میگیرند. این روز در سراسر کشورهای اسلامی تعطیل رسمی است. در این روز، روزه حرام است و مسلمانان نماز عید برگزار میکنند و زکات فطره میپردازند. در شهرها و روستاهای ایران مانند سایر کشورهای مسلمان، عید فطر مبارک و فرخنده است و مردم با اقامه نماز عید و برگزاری آداب و رسوم خاص، این مناسبت را بنحو شایسته جشن میگیرند. نوشتار حاضر که براساس مطالعات اسنادی و کتابخانه‌یی نگارش یافته، به تاریخچه و چگونگی برگزاری این مراسم و مناسک در فرهنگ مردم ایران پرداخته و در انتها، اشاره مختصری به برگزاری این عید مبارک در حوزه کشورهای اسلامی دارد.

واژگان کلیدی: عید فطر؛ فطریه؛ جشن رمضان؛ فرهنگ مردم ایران؛ مسلمانان؛ زکات فطره

مقدمه

پایان ماه رمضان و روز اول ماه شوال هر سال، یکی از مهمترین اعیاد و جشنهای مسلمانان است که در تقویم مناسبتها از آن با عنوان «عید فطر» از این روز یاد میشود. این عید از جمله اعیاد بسیار مهم مسلمانان است که معمولاً با تعطیلی رسمی و چند روزه همراه بوده و مسلمانان با توجه به فرهنگ و رسوم کشور خود در این عید به جشن و سرور و برگزاری مراسم خاص دینی و عرفی میپردازند.

۱. دکتری فولکلور، پژوهشگر فرهنگ عامه از دانشگاه تاجیکستان؛ 400hashemi@gmail.com

فطر که بمعنی بازگشت انسان به فطرت الهی خویش بوسیله جهاد با نفس اماره است، نشان از این دارد که دین اسلام به فطرت انسان اهمیت فوق‌العاده‌یی می‌دهد. همچنین اجتماع عظیم مردم برای برپایی نماز عید، نمادی از وحدت آنان است. از اینرو وحدت بعنوان اصلی که با فطرت انسان سازگاری دارد به زیباترین شکل آن در نماز عید فطر به تصویر کشیده میشود. از سوی دیگر، شکرگزاری از خداوند نیز از اموری است که مطابق با فطرت است و انسانها در این روز، خالصانه از خداوند تشکر کرده و برای گناهان خود آمرزش می‌طلبند. طهارت و پاکیزگی یکی دیگر از مهمترین آداب عید فطر است که مسلمانان به بهترین وجهی به انجام آن همت می‌گذارند. پاکیزگی جسم بوسیله غسل انجام میشود و با پوشیدن لباسهای تمیز و استعمال عطر کامل میگردد. پاکیزگی روح و جان نیز بوسیله دعا و مناجات و نماز صورت میگیرد و بالأخره پاکیزگی اموال و دارایی نیز بوسیله دادن زکات فطر به انجام می‌پذیرد. عید فطر در شهرها و روستاهای ایران نیز مانند سایر کشورهای مسلمان مبارک و فرخنده است و مردم با برپایی مراسم و برگزاری آداب و رسوم خاص، این مناسبت را بنحو شایسته جشن میگیرند و با مراسم «استقبال» که غالباً در هفته آخر ماه رمضان انجام میگیرد، خود را برای برگزاری هرچه با شکوهتر این جشن آماده میکنند.

در این نوشتار ابتدا با تعریف واژه «عید» و «فطر» به تاریخچه‌یی از این عید بزرگ مسلمانان پرداخته میشود و سپس با برشمردن مراسم و مناسک عید فطر و توصیف نمونه‌هایی از آن در جای‌جای کشور پهناورمان، به تنوع و اهمیت این عید نزد اهالی روستاها و شهرهای کشور پرداخته میشود و با گریزی به ادبیات غنی فارسی برخی اشعار وصفی شاعران پارسی‌گو، در مورد عید فطر بازگو میگردد و در نهایت اشاره مختصری به عید فطر در سفرنامه‌ها و کشورهای اسلامی میشود.

معنای «عید» و «فطر»

واژه «عید» که تنها یکبار و از زبان حضرت عیسی در قرآن (مائده/۱۱۴) بکار برده شده است، در تفسیر نمونه روز نزول مائده، روز بازگشت به پیروزی و پاکی و ایمان به خدا توصیف شده که حضرت مسیح (ع) آن را عید نامیده است. در اعتقادات اسلامی نیز به مناسبت اینکه صفا و پاکی فطری نخستین به روح و جان آدمی باز میگردد و آلودگیهایی که برخلاف فطرت است از میان میرود، «عید» گفته میشود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵/۱۳۱). این واژه بمعنای روز

مبارک و شاد، روزی که در آن مردم در مکانهای خاص جمع میشوند و جشن میگیرند و شادی میکنند (معین، ۱۳۷۱: ۲/۲۳۶۸؛ همچنین ر.ک: ابن منظور، ۱۴۲۰)؛ روزی که خداوند روزه و نماز انسان را قبول میکند (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: ۴۲) و روزی که جانها نشاط و دین عظمت مییابد (علامه طباطبایی، ۱۳۷۵: ۶/۲۵۲)، آمده است.

واژه «فطر» نیز در فرهنگ لغات بمعنی روزه گشادن (پادشاه، ۱۳۶۳: ۴/۳۱۶۳)، عید پس از اتمام روزه که روز اول ماه شوال میباشد (نفیسی، ۱۳۴۳: ۴/۲۵۷۲)، بعد صوم رمضان (الشرطونی، ۱۴۰۳: ۹۳۳)، یوم العِداد (صفی پوری، ۱۳۹۳: ۴-۳/۹۷۰) و عید روزه (قوام فاروقی، ۱۳۸۶: ۲/۷۱۷؛ نیشابوری، ۱۳۵۴: ۳۴) معنی شده است. در المفردات آمده است: عید فطر را به این جهت فطر خوانده‌اند که در چنین روزی امر امساک و صوم، از خوردن و آشامیدن برداشته میشود و به مؤمنان رخصت داده میشود که در روز افطار کنند و روزه خود را بشکنند (راغب اصفهانی، ۱۴۰۶: ۳۸۱). با توجه به معانی دیگر فطر که عبارت از شکافتن (رامپوری، ۱۳۵۷: ۶۴۸؛ صفی پوری، ۱۳۹۳: ۴-۳/۹۷۰؛ پادشاه، ۱۳۶۳: ۴/۳۱۶۳) و آفریدن (داعی الاسلام، ۱۳۶۴: ۵۹) است باید عید فطر را به معنی بازگشت انسان به فطرت الهی خویش بوسیله جهاد با نفس اماره دانست که حاصل آن تولدی جدید است.

فطر به نیز جزئی از واجبات دین شمرده میشود که در روز عید فطر بصورت نقدی یا جنسی، طبق دستورات شرع مقدس اسلام به مستحقان و محرومان داده میشود (دهخدا، ۱۳۴۱: ۳۷/۲۷۹). زکات فطره که به اتفاق شیعه و سنی واجب است، در متون دینی (کلینی، ۱۳۵۶: ۴/۱۷۴؛ حرعاملی، ۱۴۰۳: ۹/۳۱۸؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۲/۱۸۳) برای آن فلسفه و فواید متعددی شمرده شده است. امام محمد باقر (ع) میفرماید: رمضان ماهی است که قرآن کریم در آن نازل شده است و خداوند بزرگ این ماه پر برکت را حجت و عید برای شما قرار داده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۷: ۳۱۵). در پایان این ماه، مسلمانان برای ادای نماز عید فطر اجتماع بزرگی تشکیل میدهند و با بخشیدن مال به تنگدستان و مستمندان در حقیقتان مهربانی و کمک میکنند. از اینرو در عید فطر مسلمانان بوسیله عبادت، به خدا نزدیک میشوند و از طریق محبت و کمک به مردم، به یکدیگر نزدیک میشوند (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱-۲) و هم حس جمعی و اتحاد را افزون میکنند (حورانی، ۱۳۸۴: ۲۲۲). بر این اساس عید فطر دقیقاً در جهت برجسته‌سازی و اجتماعی‌سازی کارکردهای ماه رمضان است (مبلغی، ۱۳۹۳: ۱۷).

تاریخچه

با آنکه روزه گرفتن در تمامی ادیان الهی واجب بوده (بقره/۱۸۳) و پیروان این ادیان مکلفند که روزهایی خاص در سال را روزه بگیرند، اما در پایان ایام روزه‌داری آنها، عیدی قرار داده نشد و برای اولین بار در دین اسلام روزه گرفتن رمضان بایسته گشته است (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳/۹۴۳) و روز پایان روزه گرفتن، روز عید و جشن و بهجت نامیده شده و این افتخاری برای مسلمانان میباشد. رسول اکرم (ص) در اینباره میفرماید: «نماز عید فطر هدیه‌ی است از سوی من به مردان و زنان امتم و خداوند متعال چنین هدیه‌ی را پیش از من به هیچ‌کس نداده است» (بنقل از: مصباح و باقریان، ۱۳۷۹: ۱۷). در سال دوم هجرت پرداخت زکات فطره بر مسلمانان واجب شد و پیامبر اکرم (ص) به مردم فرمان داد که یک یا دو روز پیش از جشن فطر، زکات روزه از دارایی خود بیرون کنند. در این سال پیامبر خدا (ص) پای برهنه (ر.ک: مجلسی، ۱۳۷۶: ۲/۳۱؛ سپهر، ۱۳۵۳: ۱۲/۱۵۷)، به نمازگاه بیرون شهر شد و «نماز جشن» را با مردم خواند و این نخستین باری در اسلام بود که ایشان برای نماز به بیرون شهر رفت (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳/۹۴۴).

ائمه اطهار نیز به پیروی از سیره رسول‌الله (ص) این روز بزرگ را گرامی داشته‌اند؛ چنانکه در جملات گهربار حضرت علی (ع) (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۱/۵۱۶) و در نقل سیره امام حسن (ع) (حرانی، ۱۴۰۴: ۱۷۰)، امام سجاد (ع) (صحیفه سجادیه، ۱۳۸۸: ۲۰۲) و امام رضا (ع) (مجلسی، ۱۳۸۵: ۴۹/۱۳۴)، از این عید یاد شده است.

به گواه تاریخ، فاطمیان در اول سال هجری و تولد پیغمبر و غره رمضان و عید فطر و قربان سفره میدادند که مردم بسیار از آن بهره‌ور میشدند و سفره عید فطر و قربان مجلتر بود (ابراهیم‌حسن، ۱۳۵۷: ۳/۷۲۲، ۷۲۳). فرارسیدن عید فطر با پخش کردن و حلویات در میان مؤمنان... در محل خاصی بنام دارالفطره بود و تهیه حلوی عید فطر سالانه ده هزار دینار طلا هزینه بر میداشت و مواد لازم برای تهیه آن چنین بود: هزار لنگه آرد، هفتصد قنطار (هر قنطار برابر صد کیلو) شکر، شش قنطار پسته، هشت قنطار گردو، چهار قنطار فندق، چهارصد اردب خرما (هر اردب برابر ۱۹۸ لیتر)، سیصد اردب کشمش، پنج قنطار عسل، دو یست قنطار روغن کنجد و دو اردب تخم کنجد و تخم بادیان. علاوه بر این، مبالغی هم برای همیزم، روغن چراغ، مُشک، کافور، زعفران و نیز دستمزد حلواپزان هزینه میشد (هالم، ۱۳۷۷: ۶۲).

در این دوره سیاست و دیانت با هم همراه بود و خلفای فاطمی سعی داشتند تا از راه ترویج و تحکیم مذهب شیعه اساس کار خود را استوار سازند؛ از اینرو در سال عید فطر بر فقیهان خلعت پوشانده سوار

بر آستر به کاخ می آوردند تا مردم به آموختن فقه شیعی (اسماعیلی) تشویق شده و فقیهان و قاضیان در کاخ خلیفه علوم و اخبار اهل بیت (ع) و برای مردم بازگویند (زیدان، ۱۳۴۵: ۸۴۸).

مراسم و مناسک عید فطر

عید سعید فطر که پس از یک ماه عبودیت و عبادت مؤمنان روزه‌دار به درگاه الهی و مهمانی خداوند فرا میرسد، پیام شادی را به خانه‌های ایشان به ارمغان می‌آورد و آنان پس از یک ماه عبادت مخلصانه، آموزش گناهان خود را از خداوند هدیه میگیرند و به شکرانه این نعمت الهی به شادمانی میپردازند. از اینرو این عید در شهرها و روستاهای ایران مانند سایر کشورهای مسلمان مبارک و فرخنده است و مردم با برگزاری آداب و رسوم خاص، این مناسبت را بنحو شایسته گرامی میدارند و جشن میگیرند.

استقبال از عید فطر

اولین رسم از رسوم عید فطر، مراسم «استقبال» است که غالباً در هفته آخر ماه رمضان انجام میگیرد؛ مثلاً مردم آبادان و خرمشهر، در آخرین هفته ماه مبارک رمضان، اقدام به خانه‌تکانی میکنند و برای خریدن شیرینی، آجیل، گل‌یاس، گلاب و پوشاک راهی بازار میشوند و خانواده‌هایی که از وسع مالی بهتری برخوردارند، علاوه بر خانه‌تکانی، به تعویض وسایل خانه همچون پرده، فرش و مبلمان میپردازند. در بیرجند مردم با چراغانی کردن سردر مساجد و معابر و خیابانهای شهر و محله‌ها به استقبال عید میروند (سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱؛ بنقل از دوستی، ۱۳۸۷: ۳۸). در قم بازار و خیابان را چراغان میکردند و آیین میندند (فقیهی، بی تا: ۲۲۹). در ابیانه پیش از عید، همه اهالی به حمام رفته و در بستک لباسهای نو میپوشند (نظری داشلی برون، ۱۳۸۴: ۵۵۹؛ موحد، ۱۳۴۹: ۱۳۸). در بَرزُک کاشان نیز مردم با خانه‌تکانی، خرید لباس نو، میوه و شیرینی، دود کردن عود و بانوان با حنا بستن به استقبال عید میروند (جهانی‌برزکی، ۱۳۵۸: ۱۰۳).

الوداع خوانی

در بسیاری از شهرها از جمله سنج، اردکان بیده، نائین، یزد، نطنز، بهبهان، استهبانان، مشهد، زابل و سروان، اهالی از شب بیست و هفتم تا شب آخر ماه رمضان مراسم «الوداع» برپا میدارند. اشعار الوداع بعد از سحر خوانده میشود؛ مثلاً در بوشهر از شب بیست و ششم رمضان به بعد سحرخوانان

اشعار الوداع میخوانند و مردم نیز با آنان این چنین همصدا میشوند: «الوداع، الوداع شهر الوداع الوداع / الوداع، الوداع / الوداع، الوداع / الوداع، الوداع شهر صیام الوداع / الوداع، الوداع، الوداع ماه توبه الوداع» و با ماه رمضان خداحافظی میکنند (هاشمی، ۱۳۸۳: ۸). نمونه‌های دیگری از الوداع‌خوانی مربوط به بیرجند، کازرون (همان، ۳-۴) و دیگر شهرها (دوستی و شاهرودی، ۱۳۸۶: ۱۸-۲۴) و مناطق جنوب ایران است (جاوید، ۱۳۸۲: ۱۰۰-۹۸) که در منابع ثبت شده است.

رؤیت هلال ماه شوال

دیدن هلال ماه شوال و آداب و رسوم مربوط به آن در زمانی که هنوز وسایل ارتباط جمعی گسترش عمومی نداشت، در بعضی نقاط با جزئیات و تشریفات خاصی انجام میشد. در برخی شهرستانها مانند سقز و زنجان، مردم روز آخر ماه رمضان برای دیدن ماه به بام خانه‌هایشان میرفتند و در حالی که آیینی در دست داشتند میکوشیدند ماه را در آئینه مشاهده کنند، زیرا دیدن ماه در آینه را خوش یمن میدانستند (هاشمی، ۱۳۸۳: ۹؛ دوستی، ۱۳۸۷: ۳۹؛ وکیلیان، ۱۳۷۶: ۱۵۹). روستاییان معمولاً برای رؤیت هلال ماه شوال با محاسبه ایام روزه‌داری متوجه میشدند که به پایان ماه رمضان رسیده‌اند. از اینرو در آخرین روز این ماه پس از غروب آفتاب اهالی هر محل با قرار گرفتن بر مرتفعترین مکان روستا به جستجوی ماه میپرداختند (شریعت‌زاده، ۱۳۷۱: ۲/۴۷۷)، سپس توسط جارچی رویت ماه را جار میزدند (جهانی برزکی، ۱۳۵۸: ۱۰۳؛ دوستی و شاهرودی، ۱۳۸۶: ۱۱) و یا در بالای تپهٔ مصلی توپ در میگردند (آژنگ، ۱۳۸۷: ۲۸۱).

در فریق خمین اگر اهالی نمیتوانستند ماه را رؤیت کنند و از دهات و آبادی اطراف هم خبری کسب نمیکردند، شبانه دو نفر را روانهٔ خمین یا قم میکردند تا خبر رؤیت ماه را بیاورند. در این هنگام آنها پیاده و یا با اسب حرکت میکردند که سفرشان گاه تا ظهر روز بعد طول میکشید. این دو تن برای اطمینان خاطر اهالی، نامه‌یی از یکی از مجتهدان خمین یا قم مبنی بر رؤیت ماه میگرفتند که متن آن چنین بود: «اهالی محترم فریق، خداوند شما را اجر دهد و عبادات ماه مبارک شما به درگاه خداوند انشالله قبول افتد. اینجانب... رؤیت هلال شوال را تأیید مینمایم و این عید مذهبی بر شما مبارک است؛ الحاج...» (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۰؛ وکیلیان، ۱۳۷۶: ۱۶۰). در سقز کردستان روحانی پس از اطمینان از رؤیت هلال دستور میدهد تا بر بالای مساجد (صلا) بدهند (فاروقی، ۱۳۷۳: ۳۰۷). در یزد نیز صلوات میکشند و سه نفر اول صبح عید فطر به بالای گلدسته مسجد میروند و با صدای بلند به تلاوت قرآن میپردازند (وکیلیان، ۱۳۷۶: ۱۶۰). گاه دیدن هلال

ماه آنقدر با شک و تردید همراه بود که موجب دودستگی اهالی میشد (صفری، ۱۳۵۳: ۲/۱۱۹)، با این حال پس از پیدایش تلگراف و بدنبال آن تلفن، این کار با مخابره اطلاعات از سایر شهرها صورت می‌گرفت (آژنگ، ۱۳۸۷: ۲۸۱؛ مستوفی، ۱۳۴۱: ۱/۳۳۳). این شرایط تا زمانی که وسایل ارتباط جمعی همه‌گیر شود، ادامه داشت.

نماز عید فطر

در کشف الاسرار آمده است: «ماه نو شوال که بینند، تکبیر گویند تا آنکه که امام در نماز عید شود» (میبدی، ۱۳۳۱: ۱/۴۹۳). تکبیر از سنتهای مسلمانان و برگرفته از آیه‌یی از قرآن (بقره/۱۸۵) است و پیش از نماز عید فطر و شروع خطبه، در خانه‌ها و کوچه و بازار گفته میشود. نماز عید فطر که به جماعت انجام میشود و دو رکعت است (ر.ک: حُرعاملی، ۱۴۰۳: ۷/۴۳۴؛ آژنگ، ۱۳۸۷: ۲۸۱)، گرچه واجب نیست (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۶: ۱/۸۵۳)، اما بدلیل استقبال همگان و بویژه روزه‌داران ماه رمضان در شهرها و روستاها در مساجد، امامزاده‌ها (نوبان، ۱۳۸۱: ۴۹)، بقاع متبرکه، مصلیها و گاهی در قبرستانها (ر.ک: مؤیدمحسنی، ۱۳۸۱: ۳۰۷؛ وکیلان، ۱۳۷۶: ۱۶۳) برگزار میشود و چون مرکز اجتماع مردمی است، قدرت، اتحاد، انضباط و همبستگی مسلمانان را نمایش میدهد. تاریخ نمونه آن را در سال ۱۳۵۷ در قیطریه تهران به امامت آیت‌الله طالقانی ثبت کرده است (ر.ک: نجاتی، ۱۳۷۱: ۲/۸۵-۸۶؛ مدنی، ۱۳۶۹: ۲/۳۴۸).

صبح عید فطر در اکثر شهرها و روستاهای کشورمان مسلمانان پس از غسل عید فطر، در هر کوی و برزن تجمع می‌یابند و همراه با امام جماعت تکبیرگویان راهی مکان نماز عید میشوند تا نماز را به جماعت برپا کنند. پس از خواندن نماز و دعای عید و خواندن خطبه عید توسط امام جماعت همه به یکدیگر عید مبارکی می‌گویند و افرادی که نذر یا خیراتی دارند آن را بین نمازگزاران تقسیم میکنند (ر.ک: دوستی و شاهرودی، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۴۹).

فطریه یا زکات فطر

زکوة که از جمله ضروریات دین اسلام است، در قرآن کریم (بقره/۴۳) اکثراً با کلمه «صلاة» همراه است. زکات فطریه آن زکاتی است که هر مسلمان برای خود و نفقه خورانش به مستحقان میدهد و هنگام دادن آن مغرب روز آخر رمضان تا ظهر روز عید فطر است (مصاحب، ۱۳۴۵: ۱/۱۱۷۵).

و مقدار آن به اندازه یک «صاع»^۱ از ماده‌ی است که بیشتر خوراک دهنده زکات را تشکیل می‌دهد (همانجا) و از سوی علما و مجتهدین، مطابق شرایط روز اعلان می‌گردد (ر.ک: بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۶: بنقل از مصباح و باقریان، ۱۳۷۹: ۲۸) و به مصرف فقرا میرسد (توبه / ۶۰). گذشته از تعبیر شرعی، پرداخت فطریه با عقاید و آداب خاصی میان مردم همراه است، مثلاً در فریق خمین عقیده دارند هر کس که فطریه بدهد تا سال دیگر از تمام بلاهای ارضی و سماوی در امان است (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۶؛ و کیلیان، ۱۳۷۶: ۱۶۵؛ افشارسیستانی، ۱۳۶۸: ۲/۶۳۴).

در بوشهر به فطریه «سر روزه» می‌گویند و آن را به فرد مستحق می‌دهند و در صورتی که فرد فقیری نتواند فطریه بپردازد، ظرف مسی (کیانی، ۱۳۷۱: ۲۵۱) بزرگی را پیش روحانی محل به عوض فطریه می‌برد و تا روزی که فطریه را بپردازد، نمیتواند از ظرف استفاده کند (و کیلیان، ۱۳۷۶: ۱۶۶). ترکمنها فطریه (باش پطره) را به فقرا یا پیش نمازها می‌دهند (معطوفی، ۱۳۸۳: ۳/۲۰۲۶). در مهاباد سرفطر (دوستی و شاهرودی، ۱۳۸۶: ۲۷) و در کردستان فطریه و زکوة را از پانزدهم ماه رمضان تا روز عید یعنی ظرف، پانزده روز می‌پردازند (فاروقی، ۱۳۷۳: ۳۰۷). در مناطقی از کشور ما، رسوم مشابه دیگری نیز در پرداخت فطریه حاکم است (ر.ک: دوستی و شاهرودی، ۱۳۸۶: ۲۸-۲۵). این عقیده که هنگام کنار گذاشتن فطریه، اگر افراد دیگری در خانه باشند باید فطریه ایشان را نیز کنار گذاشت؛ در برخی مناطق رواج دارد (لهسایی‌زاده و سلامی، ۱۳۸۰: ۱۱۹؛ پاینده، ۱۳۵۷: ۱۷۷؛ صفی‌نژاد، ۱۳۵۷: ۴۰۶) و در فتوای علما نیز متفاوت بیان شده است (ر.ک: بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۶: بنقل از مصباح و باقریان، ۱۳۷۹: ۲۸). همچنین رسم است که فطریه توسط همه افراد خانواده دست‌گردان میشود؛ مثلاً در چنار بن رودسر سبد حاوی پول و برنج را نزد تمامی خانواده برده تا آنها نیز به محتویات سبد دستی بکشند، به این عنوان که فطریه خود را داده‌اند (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۶).

خوراکیهای عید فطر

اهالی برخی شهرها و روستاها برای روز عید فطر، پخت غذاهایی را تدارک می‌بینند؛ مثلاً در شهرهای مهاباد و اشنویه خانواده‌ها چلوخورشت و سبزی طبخ میکنند و آن را در در مجموعه‌های مسی قرار داده و به مسجد می‌برند و در کنار هم غذای روز عید را صرف میکنند. در سمنان زرشک

۱. پیمانه‌ی معادل هشت رطل و برابر چهار من

پلو، رشته پلو و سبزی پلو طبخ میشود و در سَنَدِج اهالی برای غذای عید قلیه تدارک میبینند. در کیاسرای رشت روز عید سفره ختم رمضان پهن میشود و در سفره آش شیر، رشته خشکار و نان برنجی میگذارند. غذای معمول در روز عید در اصفهان آش رشته، در فین کاشان آش نعنای داغ و در ساوه آش ترش یا آش سرکه است. برخی از تهرانیها هم صبح روز عید حلوای مخصوصی بنام کاجی طبخ میکنند. در خنچ نیز حلوای آویشن و در مشهد غذای روز عید یخمی یا همان چلوگوشت است (دوستی، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۷).

در مناطق دیگری مثل قزوین در شب عید فطر مردم بجای پلو، جُلاب (بلغور بصورت کته)، در بابل برنج باقینا (صالح طبری، ۱۳۷۸: ۱۷۵)، در روستای طاق سمنان، پلو کشمش و در فسا، آش عید که آن را نوعی دوا میدانند و به یکی از آنها «دوای زیره و زنجبیلی» و به دیگری «دوای آبشنی» میگویند، طبخ میکنند. در بوشهر هم نان شیرینی بی بی گل را در تنور میپزند و با گلاب و زعفران روی شیرینیها مینویسند: «عید شما مبارک و نماز و روزه تان قبول» (هاشمی، ۱۳۸۳: ۲۳). در خراسان بزرگ حلوای سرخ محلی میپزند (خاوری، ۱۳۸۵: ۲۷۹). در بندر دیر از میهمانان با چای و قلیان و نان زرد و نان شیرین و شیرینیهای دیگر پذیرایی میکنند (وکیلیان، ۱۳۷۶: ۱۶۴)، چای برنج و گوشت هم صبحانه عید فطر در هرمزگان است (افشار سیستانی، ۱۳۷۸: ۳۱۱).

اعمال و برخی رسوم دیگر عید فطر

شب عید فطر، شب نزول رحمت الهی و شبی است که گناهان انسان آمرزیده میشود و در روایات آمده است که فضیلت این شب از شب قدر کمتر نیست (ملکی تبریزی، ۱۳۸۱: ۳۳۴)، از اینرو اعمالی برای این مناسبت در کتابهای اقبال الاعمال، المراقبات و مفاتیح الجنان آمده است. در کنار این اعمال در بزرگداشت این عید برخی رسوم اجتماعی میان مردم شهرها و روستاهای کشورمان حاکم است که نوعی همبستگی اجتماعی و متأثر از ارزشهای دینی است؛ از جمله: غبارروبی و شستشوی فرش مساجد در فرگ (محمدی، ۱۳۸۵: ۸۷)، حضور در جایگاه نماز عید فطر (آرازا بایرام) با لباس مرتب در میان ترکمنها (معطوفی، ۱۳۸۳: ۲۶/۳؛ بیگدلی، ۱۳۶۹: ۴۵۶)، عیدی دادن خانواده‌های فرادست به فرودست در لارستان (رحمانی، ۱۳۷۵: ۱۱۴)، دیدار از سادات محل در قاطول (طباطبایی فر، ۱۳۸۱: ۲۲۸)، رفتن به عبادتگاهها (سالاری، ۱۳۷۷: ۲۴۳) یا قبرستانها و خواندن فاتحه (نظری و دیگران، ۱۳۸۴: ۵۵۹؛ نوربخش، ۱۳۵۸: ۲۶۸)، دیدار از خانواده‌های عزردار در گرمسار (شاه‌حسینی، ۱۳۸۵: ۲۰۵)، گناوه، کازرون، بجنورد و تکاب (وکیلیان، ۱۳۷۶: ۱۶۵-۱۶۴).

محمدی، بی تا: ۳۵۳)، دید و بازدید در خلخال (نقیب، ۱۳۷۹: ۳۳۵) و میان اهل تسنن بلوچ (ناصری، ۱۳۵۸: ۱۴۷)، صرف غذای عید با یکدیگر در بانه (توکلی، ۱۳۶۳: ۶۶) و تعیین قراردادهای عقد و عروسی در بابل (صالح طبری، ۱۳۷۸: ۱۷۵). در تهران قدیم و شرق گیلان هم عیدی دادن به عروس (شهری باف، ۱۳۷۱: ۱۱۲/۳؛ شهاب کومله‌ای، ۱۳۸۵: ۱۷۶) مرسوم است؛ ضمن اینکه به آتش بازی در اواخر دوره ناصری (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۶۵۲) برای عید فطر نیز میتوان اشاره نمود.

عید فطر در ادبیات فارسی

اشعار زیادی در گنجینه ادب فارسی به عید سعید فطر و عید صیام پرداخته که حکایت از منزلت این عید سعید دارد. هر گروه از شاعران، بواسطه دلبستگیهای خویش و در قالب و سبک خود، نگاهی ویژه به عید فطر داشته و از رسیدن آن اظهار خرسندی کرده‌اند؛ برای نمونه، بسیاری از شعرای سبک خراسانی از پایان یافتن رمضان ابراز خوشحالی کرده و نوید ایام شاد داده‌اند؛ چنانکه فرخی از عذابی که ماه رمضان به او داده یاد میکند و رفتنش را مبارک می‌شمارد: «روزه از خیمه ما دوش همی شد به شتاب / عید فرخنده فراز آمد با جام شراب» (ر.ک: فرخی سیستانی، ۱۳۱۱)، منوچهری نیز که دیوانش سراسر پر از اشعار شاد و شادی‌آور است، چنین نظری دارد: «ماه رمضان رفت و مرا رفتن او به / عید رمضان آمده المنة لله». همچنین امیر معزی خستگی روزه را با شادخواری و مطرب و غزل در عید فطر می‌گذراند: «خستگی روزه به جز باده عیدی نبود / خاصه آنوقت که مطرب غزلی گوید تر».

شعرای سبک عراقی برخلاف سبک خراسانی از رفتن رمضان اظهار ملال کرده، اما از عید استقبال کرده‌اند؛ بطوری که عید فطر از چشم‌انداز مولوی روز کمال است: «عید آمد و عید آمد، وان بخت سعید آمد / بر گیر و دهل می زن، کان ماه پدید آمد» (ر.ک: مولوی، ۱۳۶۱)؛ حافظ نیز از پایان گرفتن ماه روزه به شادی یاد میکند (خرمشاهی، ۱۳۵۸: ۵۱): «روزه یکسو شد و عید آمد و دلها برخواست / میز خمخانه به جوش آمده می باید خواست» (ر.ک: حافظ، ۱۳۸۵).

در سبک هندی شعرا نه از چشم‌انداز ستایش محض و نه از زاویه گریز صرف به موضوع رمضان و عید پرداخته‌اند؛ بطوری که صائب تبریزی و کلیم کاشانی به عید بعنوان یک مضمون نگاه میکنند: «ز ماه نو چنان شد صیقلی آئینه دلها / که هرکس هرچه در دل داشت بی مانع هویدا شد» (صائب تبریزی، ۱۳۷۱: ۱۴۸۷/۳). «به عید، ختم مناسک شود چو در مکه / به آخر رمضان، عید بهر آن افتاد» (کلیم کاشانی، بی تا: ۱۸).

علاوه بر این شعرا، از شعرای دیگری همچون فرخی بسطامی، انوری، خواجهی کرمانی، جامی، حزین لاهیجی، ناصر خسرو قبادیانی میتوان یاد کرد که در سبکها و دوره‌های مختلف در وداع با رمضان و آمدن عید با جانی دیگر و جهاتی دیگر سروده‌هایی را دارند (برای نمونه، رک: خاتمی، ۱۳۸۸: ۱۶۷۷۲-۱۶۷۵۷/۱۵).

عید فطر در سفرنامه‌ها و دیگر کشورهای اسلامی

موضوع عید فطر در سفرنامه‌ها بنا به عینیت‌های موجود، مورد عنایت صاحبان آنها واقع شده است؛ بطوری که در برخی از سفرنامه‌ها، سفرنامه‌نویسان به نمودهایی از این عید در پهنه زندگی اجتماعی مردم پرداخته‌اند.

ابن بطوطه مشاهدات خود را از نماز عید در میان سیاهپوستان چنین بیان میکند: «من دو عید اضحی و فطر را در مالی بودم، مردم به مصلی که نزدیک قصر سلطان واقع است میرفتند و جامه‌های سفید خوب بر تن کرده بودند؛ سلطان سوار اسب، طیلسانی بر سر برای نماز حرکت کرد... این جمع در پیشاپیش سلطان تهلیل و تکبیر میگفتند و رایتهای سرخ ابریشمین در جلوی سلطان برافراشته بود (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲/۳۵۳).

نویسنده کتاب از خراسان تا بختیاری مینویسد: «در آخر ماه رمضان هر مسلمانی موظف است که بعنوان فطریه چیزی به فقرا بدهد که معمولاً باید یک کیل گندم یا جو و یا خرما یا چیز دیگری باشد، ولی اغلب آن را به پول تبدیل میکنند و این احسان اجر اخروی دارد» (رنه دالمانی، بی تا: ۱۸۸). پولاک نیز در سفرنامه خود از عید فطر بعنوان «عید بایرام» یاد میکند (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۳۳). همسر وزیر مختار انگلیس در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه نیز اشاره میکند: در یکی از روزهای آخر اقامت ما در لواسان، بمناسبت عید فطر، کلیه روستاییان و خدمه جشن گرفتند. در این مراسم که در تمام کشورهای مسلمان از دیوار چین گرفته تا بلغراد اجرا میشود، همه از اینکه ماه رمضان و دوران روزه به پایان رسیده است خوشحالی میکنند (شیل، ۱۳۶۲: ۱۲۴-۱۲۲). شاردن نیز در سفرنامه خود به شب عید لیلۃ‌القدر اشاره دارد که مردم با چند ادعیه و اذکار بخصوص، این عید را برگزار میکنند (شاردن، ۱۳۳۶: ۵/۲۳۱). نویسنده کتاب داستان باریافتگان نیز از مشاهدات خود در شهر نجف مینویسد: روز فطر را عید میگیرند و دکانین بسته است. مردم با لباسهای نو و دستهای حنا بسته، دسته‌دسته به دیدن همدیگر میروند و شیرینی صرف میکنند، اطفال هم با جامه‌های رنگارنگ در کوچه‌ها جولان میدهند و تفاخر میکنند (هدایتی، ۱۳۸۹: ۸۲).

در کشورهای اسلامی نیز عید فطر که از اعیاد بسیار مهم محسوب میشود، معمولاً با تعطیلی رسمی سه روزه (Islam & Moslem Americans, 2017,11) و با آداب و رسوم خاص همراه است. کشور تانزانیا چهار روز را تعطیل میکند و مردم بعد از نماز عید فطر و خوردن صبحانه، لباسهای نو و پاکیزه خود را میپوشند و برای دید و بازدید به خانه اقوام میروند و در این دید و بازدیدها به کودکان عیدی میدهند (بنقل از مصباح و باقریان، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۵). در مصر مسلمانان این عید را عید «ارمغان بخشی» نامیده و در شب عید حقوق شبانه مؤذنان و تلاوت کنندگان قرآن بعنوان پایان ماه بیشتر میشود. در عربستان، خواندن نماز عید، پوشیدن لباسهای نو و پاکیزه، پخش کردن شیرینی و نقل از مهمترین کارهایی است که مردم در روز عید و تعطیلات آن انجام میدهند در سوریه جشن عید فطر، سه روز طول میکشد و همه لباس نوی خود را میپوشند و به یکدیگر هدیه میدهند (بنقل از همانجا). بچه‌ها نیز در شب عید، به خیابان میروند و فانوسهای روشن به دست میگیرند. آنها به درب منزل همسایه‌ها و دوستان رفته و سرودهای خاص رمضان میخوانند و در عوض از بزرگترها آب نبات یا سکه پول میگیرند (feeney, 2017,6). مسلمانان هند روز عید فطر را روز «تمت الوداع» مینامند. آنان با لباس متحدالشکل (یک دست سفید) به مساجد میروند و مغازه‌های خود را تعطیل میکنند؛ تبریک گفتن، جایزه دادن و شیرینی پخش کردن از دیگر مراسمهای مسلمانان هند در روز عید فطر است (بنقل از مصباح و باقریان، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۵). در هند و پاکستان، شب قبل از عید، دختران جوان به همراه مادرانشان در مراسم حنابندان شرکت میکنند و بر روی دستان خود نقش و نگارهای گل مانند میکشند؛ این طرحها همیشگی نیستند اما بمدت چند روز روی دستانشان دوام می‌آورند (Ibid).

افغانستان عید فطر را از بزرگترین اعیاد مردم محسوب میدارد و اکثر جشنها در کنار بارگاه امامزاده‌ها و یا دیگر اماکن مذهبی برگزار میشود (احمدی‌نژاد، ۱۳۷۷، بنقل از مصباح و باقریان، ۱۳۷۹: ۳۸). اسماعیلیان بدخشان تاجیکستان در روز عید فطر، لباس نو بر تن میکنند و صبح زود به بیوگان، بیچارگان و یتیمان صدقه میدهند و به میهمانی میروند، دعا میخوانند و این عید خجسته را به یکدیگر تبریک میگویند (چشم‌انداز، ۱۳۷۶: ۳۸). در قزاقستان روز عید مردم اغلب این جمله را بکار میبرند: «سیرام قونوقلسن» (عابدینی، ۱۳۸۴: ۸۲). در پاکستان مراسم عید معمولاً تا یک هفته طول میکشد. مردم در این روزها برای یکدیگر کارت «عید مبارک» میفرستند و نمازگزاران به امام جماعت خود، هدیه میدهند و کودکان نیز در این روز عیدی فراوانی میگیرند. در منطقه کشمیر نیز مسلمانان شب عید، بین مردم نقل و شیرینی پخش میکنند و در روز عید

مسابقه‌های همچون مسابقه تیراندازی بین قبایل مختلف برگزار می‌گردد و به برندگان جوایزی اعطا میشود (مصباح و باقریان، ۱۳۷۹: ۳۸). همچنین روز عید فطر در مالزی تعطیل رسمی است و مسابقه بین‌المللی قرائت قرآن در ماه مبارک رمضان انجام می‌گیرد (چشم‌انداز، ۱۳۷۶: ۶۴) و مردم در این روز غذاهای مخصوصی مانند کتوپاک و رندانگ و نوعی سس بادام زمینی تند آماده میکنند (Guide to Islamic Festivals in Malaysia, 2014, 6). در میان مردم برونی نیز که در اصطلاح ملایو به آن «هاری رایا عیدالفطر» می‌گویند، ارسال کارتهای تبریک در سطح بسیار وسیع از جمله مراسم سنتی ایشان بشمار میرود (چگینی، ۱۳۷۹: ۱۵۵). در ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای غربی، مسلمانان اغلب برای یکدیگر هدیه می‌خرند و کارت تبریک عید پایان رمضان می‌فرستند. کسانی هم که تمکن مالی دارند لباسهای نو می‌خرند و غذاهای خاص با رنگ و بوی فرهنگ محلی می‌پزند (Eid ALFitr Celebration in Different Countries, 2017). سازمان ملل متحد نیز این روز را در تقویم تعطیلات خود دارد.

منابع فارسی

- قرآن کریم

- ابراهیم حسن، حسن؛ تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: سازمان انتشارات جاوید، ۱۳۵۷.

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی؛ معانی الانخبار، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.

- _____؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه ابراهیم محدث بندریگی، قم: نشر اخلاق، ۱۳۷۹.

- _____؛ من لا یحضر الفقیه، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

- ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن عبدالله؛ سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: نشر آگاه، جلد دوم، ۱۳۷۰.

- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، ۱۴۱۰ق.

- ابن اثیر، عزالدین؛ تاریخ کامل ابن اثیر، برگردان سید محمد حسین روحانی، انتشارات گلشن، جلد سوم، ۱۳۷۱.

- احمدی نژاد، سید حسن؛ سیمای کابل، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان؛ *روزنامه خاطرات*، مقدمه ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- افشار سیستانی، ایرج؛ *مقدمه‌ای بر شناخت ایلها، نسل دانش*، جلد دوم، ۱۳۶۸.
- _____؛ *شناخت استان هرمزگان*، انتشارات هیرمند، ۱۳۷۸.
- آژنگ، نصرالله؛ «رمضان در همدان»، *فصلنامه فرهنگ مردم* (ویژه همدان)، سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۳۸۷.
- امام سجاد؛ *صحیفه سجادیه*، ترجمه محمد مهدی جلالی شاهرودی، نشر به‌نشر، ۱۳۸۸.
- بنی‌هاشمی خمینی، محمدحسن؛ *توضیح المسائل مراجع*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
- بیگدلی، محمدرضا؛ *ترکمنهای ایران*، انتشارات پاسارگاد، ۱۳۶۹.
- پادشاه (متخلص به شاد)، محمد؛ *آندراج (فرهنگ جامع فارسی)*، زیر نظر دبیرسیاقی، کتابفروشی خیام، جلد چهارم، ۱۳۶۳.
- پاینده، محمود؛ *آیینها و باورداشتهای گیل و دیلم*، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷.
- پولاک، یاکوب ادوارد؛ *سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱.
- توکلی، محمد رؤف؛ *جغرافیا و تاریخ بانه کردستان*، ناشر مؤلف، ۱۳۶۳.
- جاوید، هوشنگ؛ *موسیقی رمضان در ایران*، تهران: نشر سوره مهر، ۱۳۸۲.
- جهانی برزکی، زهرا؛ *برزک نگین کوهستان*، کاشان: انتشارات مرنجاب، ۱۳۸۵.
- چشم‌انداز؛ «سنتها و رسوم مذهبی اسماعیلیان بدخشان»، *ماهنامه فرهنگی هنری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی*، شماره ۱۱، ۱۳۷۶.
- _____؛ «نگاه اجمالی به کشور مالزی»، *ماهنامه فرهنگی هنری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی*، شماره ۲، ۱۳۷۶، ص: ۶۰-۶۶.
- چگینی، علی؛ *اسلام در برونی*، ناشر: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۹.
- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد؛ *دیوان حافظ*، باهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، کتابفروشی زوار، ۱۳۸۵.
- حرانی، ابو محمدحسن؛ *تحف العقول*، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- حرعاملی، محمدبن حسن؛ *وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه*، تحقیق الشیخ عبدالرحیم الربانی الشیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۳ق.

- حورانی، آلبرت؛ تاریخ مردمان عرب، ترجمه فرید جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- خاتمی، احمد (گردآورنده)؛ دیوان موضوعی شعر فارسی، تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر، ۱۳۸۸.
- خاوری، محمدتقی؛ مردم هزاره و خراسان بزرگ، تهران: نشر عرفان، ۱۳۸۵.
- خرماشاهی، بهاءالدین؛ ذهن و زبان حافظ، تهران: انتشارات ناهید، ۱۳۸۵.
- داعی الاسلام، سید محمدعلی؛ فرهنگ نظام، کتابخانه دانش، ۱۳۶۴.
- دوستی، شهرزاد؛ شاهرودی، المیرا؛ عید فطر در فرهنگ مردم ایران، مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌ای، واحد فرهنگ مردم (گزارش شماره ۵۵)، ۱۳۸۶.
- _____؛ «معرفی و تحلیل گزیده‌ای از مراسم عید فطر در فرهنگ مردم ایران»، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۳، ۱۳۸۷.
- دهنخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه، تهران: شرکت چاپ افست، ۱۳۴۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیة، ۱۴۰۶ق.
- رامپوری، غیاث‌الدین محمد؛ غیاث اللغات، بکوشش منصور ثروت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- رحمانی، صادق؛ سیمای لارستان (نخلهای سرافراز)، قم: مؤسسه فرهنگی همسایه، ۱۳۷۵.
- رنه دالمانی، هانری؛ سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره‌وشی، تهران: انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۳۵.
- زیدان، جرجی؛ تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، دوره پنج جلدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، «آداب رمضان المبارک در استانهای کشور»، «عید سعید فطر»، ۱۳۸۲.
- سالاری، عبدالله؛ فرهنگ مردم کوهپایه ساوه، سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت معرفی و آموزش، ۱۳۷۷.
- سپهر، عباسقلی خان؛ نسخ التواریخ حضرت رضا (ع)، تصحیح و حواشی محمدباقر بهبودی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۳.
- شاردن، ژان؛ سیاحت‌نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶.
- شاه حسینی، علیرضا؛ خوار (گرمسار) و میراث کهن آن، سمنان: انتشارات بوستان اندیشه،

۱۳۸۵.

- الشرتونی، سعیدالخورى؛ اقرب الموارد فى فصیح العربیة و الشوارد، قم: منشورات مکتبه آیت‌الله العظمی‌ المرعشی‌ النجفی، ۱۴۰۳ق.
- شریعت‌زاده، سید علی‌ اصغر؛ فرهنگ مردم شاهرود، بی‌جا، ۱۳۷۱.
- شهاب کومله‌ای، حسین؛ فرهنگ عامه کومله (شرق گیلان)، رشت: انتشارات گیلکان، ۱۳۸۵.
- شهری‌باف، جعفر؛ تهران قدیم، تهران: انتشارات معین، جلد سوم، ۱۳۷۱.
- شیل، مرى؛ خاطرات لیدی‌ شیل، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو، ۱۳۶۲.
- صائب تبریزی، میرزا محمدعلی؛ دیوان صائب تبریزی، بکوشش محمد قهرمان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- صالح طبری، صمد؛ بابل سرزمین طلای سبز، انتشارات فکرت روز، ۱۳۷۸.
- صفری، بابا؛ اردبیل در گذرگاه تاریخ، تهران: باباصفری (مؤلف)، جلد دوم، ۱۳۵۳.
- صفی‌پوری، عبدالرحیم ابن عبدالکریم؛ منتهی‌الادب فی لغه العرب، ترجمه علیرضا حاجیان‌نژاد، محمدحسن فؤادیان، انتشارات سنایی، ۱۳۹۳.
- صفی‌نژاد، جواد؛ طالب‌آباد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۷.
- طباطبایی (علامه)، سید محمدحسین؛ المیزان: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۵.
- طباطبایی فر، رضا؛ روستای قاطول در گذر زمان (مونوگرافی)، نقش بیان، ۱۳۸۱.
- عابدینی، محمدحسین؛ سیمای فرهنگی قزاقستان، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۴.
- فاروقی، عمر؛ نظری به تاریخ و فرهنگ سقز کردستان، انتشارات سقز، ۱۳۷۳.
- فرخی‌سیستانی، ابوالحسن علی؛ دیوان، تصحیح علی‌ عبدالرسولی، مطبعه مجلس، ۱۳۱۱.
- فقیهی، علی‌اصغر؛ تاریخ جامع قم، انتشارات اسماعیلی، بی‌تا.
- قوام فاروقی، ابراهیم؛ شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی، تصحیح حکیمه دبیران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد دوم، ۱۳۸۶.
- کلیم کاشانی، ابوطالب؛ دیوان کلیم کاشانی، بتصحیح و مقدمه: ح. پرتو بیضائی، تهران: انتشارات کتابفروشی خیام، بی‌تا.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی و سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، ۱۳۵۶.
- کیانی، منوچهر؛ سیه چادرها تحقیقی در زندگی مردم ایل قشقایی، بی‌جا: چاپخانه سعید نو، ۱۳۷۱.

- لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ سلامی، عبدالنبی؛ تاریخ و فرهنگ مردم دوان، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۰.
- مبلغی، احمد؛ «فلسفه وجودی عید فطر و کارکردهای آن»، روزنامه ایران، سال بیستم، شماره ۵۷۰۵، دوشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۳.
- مجلسی، محمد باقر؛ عین الحیات، قم: انتشارات مهر، ۱۳۷۶.
- محمدی، علی؛ کتاب افشار، بی‌جا: علی محمدی، بی‌تا.
- محمدی، غلامحسین؛ فرگ جزیبی از سرزمین طلائئ ایران، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۵.
- مدنی، جلال‌الدین؛ تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم، جلد دوم، ۱۳۶۹.
- مستوفی، عبدالله؛ شرح زندگانی من، تهران: کتابفروشی زوار، ۱۳۴۱.
- مصاحب، غلامحسین؛ دایرةالمعارف فارسی، تهران: فرانکلین، ۱۳۴۵.
- مصباح، سید حسن؛ باقریان، سید رضا؛ جشن فطرت، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۷۹.
- معطوفی، اسدالله؛ تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، جلد سوم، ۱۳۸۳.
- معین، محمد؛ فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین، ۱۳۷۴.
- ملکی تبریزی، میرزا جوادآقا؛ المراقبات، بیروت: دارالسلام، ۱۳۸۱ق.
- موحد، جمیل؛ بستک و خلیج فارس، تهران: بال کبوتران، ۱۳۸۴.
- مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد؛ دیوان شمس تبریزی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- مؤید محسنی، مهری؛ فرهنگ عامیانه سیرجان، کرمان: انتشارات مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۸۱.
- میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین؛ کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: مطبوعه مجلس، ۱۳۳۱.
- ناصری، عبدالله؛ فرهنگ مردم بلوچ، انتشارات پیوند، ۱۳۵۸.
- نفیسی، علی‌اکبر؛ فرهنگ نفیسی، تهران: کتابفروشی خیام، جلد دوم، ۱۳۴۳.
- نجاتی، غلامرضا؛ تاریخ بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، تهران: انتشارات رسا، ۱۳۷۱.
- نظری داشلی‌برون، زلیخا؛ مردم‌شناسی روستای ایبانه، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی، ۱۳۸۴.
- نقیب، سید محمد مسعود؛ خلخال و مشاهیر، تبریز: مهد آزادی، ۱۳۷۹.

- نوبان، مهرالزمان؛ سیمای میراث فرهنگی قم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، معاونت معرفی و آموزش اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، ۱۳۸۱.
- نوریخ، حسین؛ بندر لنگه در ساحل خلیج فارس، بندرعباس: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان هرمزگان، ۱۳۵۸.
- فیض‌الاسلام، علینقی؛ نهج البلاغه، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹.
- نیشابوری، احمد بن محمد بن فضل؛ السامی فی الاسامی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴.
- وکیلان، سید احمد؛ رمضان در فرهنگ مردم، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶.
- هاشمی، سید علیرضا؛ «عید سعید فطر در فرهنگ مردم ایران» (گزارش پژوهشی)، مرکز تحقیقات صدا و سیما، واحد فرهنگ مردم، ۱۳۸۳.
- هالم، هاینتس؛ فاطمیان و سنتهای تعلیمی و علمی آنان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، ۱۳۷۷.
- هدایتی، سید احمد؛ داستان باریافتگان (سفرنامه حج)، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۹.

منابع انگلیسی

- Feeney, John, "Celebrating Ramadan A Resource for Educators", The Outreach Center, Center for Middle Eastern Studies, Harvard University, <http://www.multifaiths.com/pdf/celebratingramadan.pdf>. [Accessed: July. 12, 2017].
- Guide to Islamic Festivals in Malaysia, Islamic Tourism Center (ITC), 2014.
- Islam and Muslim Americans, AANM Educational Series, Arab American National Museum, INSTITUTE of Museum and Library Services, http://www.arabamericanmuseum.org/umages/pdfs/resource_booklets/AANM_IslamBooklet_v6.pdf. [Accessed: July. 15, 2017].
- Eid ALFitr Celebration in Different Countries, Emdad Khan, <http://www.snmc.ca/wp-content/uploads/2015/07/2015Eidalfitr.pdf>. [Accessed: July. 11, 2017].